

بررسی ظرفیت‌های حج ابراهیمی در مسأله فلسطین

(با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری)

محسن محمدی^۱

چکیده

فلسطین یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام است که در ابعاد قومی، سرزمینی و عربی محدود نمی‌شود بلکه مسأله‌ای فراسرزمینی و فراملی است. در این بین حج ابراهیمی که با اندیشه‌های امام خمینی و در ادامه مقام معظم رهبری احیا گردید، عبادتی فراملیتی است که می‌تواند مسائل جهان اسلام را پشتیبانی نماید.

حج ابراهیمی از طرفی با ایجاد همبستگی و هم‌گرایی در جهان اسلام مسلمانان را در محور مسائل اساسی امت اسلامی متحد می‌کند و از طرف دیگر با برپایی مراسم برائت از مشرکین مسلمانان را در محور دشمن مشترکی به نام اسرائیل جمع می‌کند.

بررسی پیام‌های امام و رهبری به مناسبت حج در تقویت فلسطین موارد زیر را در سه بعد نشان می‌دهد: بعد دانشی: توجه به نقش دولت‌ها، ارائه راه‌کار عملی، دشمن‌شناسی، معرفی الگوی مبارزه، بیان آسیب‌های مبارزه و قیام و پیوستگی منافع امت اسلامی و فلسطین. بعد گرایشی: برانگیختن احساسات مسلمانان، روحیه دادن به مسلمانان. بعد کنشی: ایجاد وحدت، محکومیت تجاوزات و جنایات اسرائیل.

واژگان کلیدی: حج ابراهیمی، آرمان فلسطین، امت اسلامی، هویت‌طلبی، اسرائیل، بیداری

اسلامی.

۱ دکترای مطالعات انقلاب اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی. رایانامه: moh2941@gmail.com

مقدمه

تاریخ فلسطین از آغاز پیدایش تا امروز که قرن‌ها بر آن می‌گذرد یعنی در طول بیش از چهار هزار سال شاهد مبارزات گوناگون خونریزی‌ها، قهرمانی‌ها و دلاوری‌ها بوده است. (قدری، ۱۳۵۸: ۱۶۴)

پس از فتح مسالمت‌آمیز اورشلیم به دست مسلمانان، نام آن به بیت‌المقدس تغییر یافت. از آن پس، از سال پانزده ه. ق تا سال ۱۳۳۷ ه. ق مطابق با ۱۹۱۷ م جز در مدت یک قرن، همواره بیت‌المقدس در دایره‌ی سرزمین‌های اسلامی تعریف می‌گردید. (اقلیدی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۵۷)

تا قبل از سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۲۹۳ شمسی) اصطلاح فلسطین بدون اینکه محدوده معین و مشخصی را در برگیرد به صورتی مبهم به بخش جنوب غربی سوریه اطلاق می‌شده و بیشتر ساکنان این سرزمین در آن زمان عرب‌های مسلمان بوده‌اند و اقلیتی مسیحی و یهودی نیز از دیر باز در آن دیار زندگی می‌کرده‌اند. این شهر از نظر سه مذهب یهود، مسیحیت و اسلام دارای ارزش و اعتبار مذهبی است. به طوری که پیروان تمام این مذاهب به علت مسائل تاریخی و مذهبی نسبت به این شهر ادعای مالکیت دارند.

مرزهای فعلی فلسطین در سال ۱۹۹۲ م/۱۳۷۰ ش یعنی زمانی که انگلستان پس از جنگ جهانی اول اجازه قیمومیت بر این سرزمین را از جامعه ملل دریافت کرد مشخص شد. از آن پس ملت فلسطین نیز به مردمی اطلاق شد که پس از تسلط انگلستان بر این سرزمین به منظور کسب استقلال علیه انگلستان و حضور روز افزون مهاجران یهودی در فلسطین سر به شورش برداشتند. پس از پایان جنگ اعراب و اسرائیل در مجموع حدود ۷۷ درصد از خاک فلسطین تحت سیطره رژیم صهیونیستی قرار گرفت.

اسرائیل از زمان تشکیل در سال ۱۹۴۸، همواره با دو مسأله اساسی و حیاتی مشروعیت و امنیت مواجه بوده و این دو مشکل پیوسته بقا و موجودیت آن را تهدید کرده است. این دولت از همان ابتدا، با بحران مشروعیت در داخل و عدم شناسایی بین‌المللی به ویژه از طرف دولت‌های اسلامی و عرب منطقه مواجه گردید. ملت مسلمان فلسطین، مشروعیت رژیم اسرائیل را رد کرد و هسته‌های مقاومت را در مراحل متعددی شکل داد (ستوده، ۱۳۸۱: ۲۶۷).

از این به بعد مسأله فلسطین فقط به عنوان یک مسأله سرزمینی یا قومی (عرب) باقی نماند بلکه جایگاه ویژه‌ای در امت اسلامی یافت و فراسرزمینی و فراملیتی شد. به این ترتیب اعراب در مقابل اسرائیل ایستادند و کل جهان اسلام در مقابل آن موضع گرفتند به خصوص که اسرائیل را به عنوان یک رژیم غاصب که در تعارض با امت اسلامی است، می‌نگریستند.

در این مقاله قصد داریم ظرفیت‌های حج ابراهیمی را در مسأله فلسطین به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل امت اسلام مرور کنیم. از آنجا که امام خمینی احیاگر حج ابراهیمی در دوران معاصر است و مقام معظم رهبری نیز همین دیدگاه را در موضوع حج دنبال کرده‌اند، ظرفیت‌های حج در تقویت و پیشبرد ایده فلسطین را از دید ایشان پی‌می‌گیریم به خصوص که امام خمینی با نامگذاری روز قدس، توجه همه مسلمانان را به این موضوع فلسطین جلب کرد و مقام معظم رهبری نیز امروزه از بزرگ‌ترین حامیان فلسطین در جهان اسلام هستند.

نظرات امام و رهبری در این موضوع از پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان در ایام حج استخراج می‌شود. بر این اساس روش تحقیق تحلیلی و اسنادی خواهد بود.

نقش آفرینی حج از این جهت مهم است که حج عبادتی فراملیتی است. جوهره سیاسی حاکم بر حج توجه به مسائل مسلمانان جهان و اتحاد در مسیر مبارزه با دشمنان اسلام است. این سطح از کارایی و ظرفیت حج در تقویت همبستگی امت اسلامی، ظرفیت بسیار بی‌بدیلی را برای تقویت جایگاه فلسطین در امت اسلامی فراهم می‌کند.

چارچوب نظری

بررسی نقش آفرینی حج در تقویت ایده فلسطین در امت اسلامی مبتنی بر برخی مبانی نظری در مورد ابعاد و ماهیت حج است. این مبانی که بیانگر رویکرد این تحقیق است را در دو بخش پی‌می‌گیریم.

۱. ایجابی

در این بخش تمرکز مقاله بر این است که حج ظرفیت عظیمی در همبستگی و هم‌گرایی جهان

اسلام دارد. این کارکرد عظیم حج در قالب موضوعاتی مانند ایجاد هویت مشترک یا طرح مسائل و مشکلات جهان اسلام بروز می‌یابد. در این بین فلسطین به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام می‌تواند در مسیر و بستر همگرایی مسلمانان قرار گیرد؛ موضوعی که مد نظر امام و رهبری نیز بوده است.

در یک نگرش کلی، هم‌گرایی در ۴ سطح قابل تحلیل و بررسی است (ر.ک: مطهری‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۵۱-۱۴۹) که حج در همه آنها می‌تواند در سطح جهان اسلام موثر باشد:

۱. سطح هویت: حج همه مسلمانان را در بستر هویت دینی و تمدنی بر محور توحید به هم‌گرایی فرا می‌خواند.

۲. سطح هدف: با تعریف هویت یکسان، زمینه اهداف یکسان نیز فراهم می‌شود.

۳. سطح انسجام: هسته اصلی هم‌گرایی در کم و کیف هنجاری است که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی است. به بیان دقیق‌تر، هم‌گرایی منوط به تنظیم هنجاری روابط بین واحدها بر مبنای اصول مشترک ارزشی است که از طریق نهادینه شدن اجتماعی و فرهنگی میسر می‌شود.

حج زمینه تعامل مسلمانان برای حل مشکلات جهان اسلام و هم‌افزایی فکری و عملی آنها جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های جهان اسلام فراهم می‌کند.

۴. سطح انطباق: در این سطح، هم‌گرایی در برابر چالش‌های ناشی از هویت‌های مقاوم در برابر هم‌گرایی قرار می‌گیرد. این هویت‌های مقاوم‌خیز، از درون محیط‌های خواهان تقرب بر ضد عوامل همگرایی وارد عمل می‌شود و نیروها و عوامل همگرا را به چالش فرا می‌خواند.

هویت‌های فرقه‌ای و ملی گوناگون در جهان اسلام همواره مانع از هم‌گرایی در جهان اسلام است ولی حج همه مسلمانان از کشورها و ملیت‌های متفاوت را در یک سرزمین در زمانی خاص جمع می‌کند تا همگی اعمال و مناسکی یکسان انجام دهند و حتی با پوشیدن لباس یکسان و ساده، زمینه هر گونه تفاوت ظاهری را نیز از بین می‌برد تا به بهترین شکل زمینه هم‌گرایی و همبستگی را فراهم کند.

حج به عنوان عبادتی جهان‌شمول که از ابعاد سیاسی و اجتماعی عمیقی در کنار ابعاد فقهی و عرفانی برخوردار است از ظرفیت‌های گسترده، عمیق و بی‌بدیلی در تقویت ایده امت اسلامی برخوردار است. برآورد این ظرفیت‌ها را می‌توان در تقویت شخصیت دینی مسلمانان در بستر تمدن اسلامی دانست که فراتر از هویت‌ها و تشخص‌های ملی و فرهنگ‌های منطقه‌ای است. به عبارت دیگر در حج مسلمانان در فضای تمدنی و تاریخی اسلام قرار می‌گیرند تا به این نکته مهم توجه کنند که همگی فراتر از فرهنگ‌های ملی و بومی، هویتی تمدنی دارند که نقطه مشترک و سبب اتصال و یکی شدن آنها در عرصه بین‌الملل می‌شود و باید برای اعتلا و احتراز از آن تلاش کنند. ظرفیت‌های حج برای تقویت وحدت اسلامی را می‌توان در پنج عرصه سیاسی، ارتباطی، فقهی، اخلاقی و اقتصادی مشاهده کرد. به عبارت دیگر از این پنج طریق هویت دینی در حج فراتر از هویت‌های ملی و جغرافیایی تقویت می‌شود (محمدی، ۱۳۹۳: ۲۰-۳۴).

۲. سلبی

بعد سلبی ظرفیت حج در تقویت جایگاه فلسطین در جهان اسلام در بخش مراسم براءت از مشرکین است که امام و رهبری همواره بر آن تاکید داشته‌اند. مراسم براءت از مشرکین، مسلمانان را متوجه دشمن مشترک می‌کند. دشمن مشترک سبب انسجام و یکپارچگی داخلی، هویت‌بخشی به جمع درونی و انگیزه‌ای برای تلاش و احساس در راه بودن است؛ زیرا بخشی از هویت با ضدیت معنادار می‌شود. بخشی از کیستی ما مرهون آن است که ما چه کسی نیستیم. بنابراین اصل هویت پیوسته با اصل ضدیت مقارن است (روشه، ۱۳۸۰، ۱۳). ابن خلدون نیز وجود دشمن مشترک را در کنار رفتار منسجم تشکیلاتی از عوامل پایداری عصبیت و هم‌بستگی خویشاوندی و قبیله‌ای می‌داند (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ج ۱، ۳۳۴؛ سالم، ۱۳۸۰: ۳۱۱).

جالب است بدانیم دشمنان فلسطین نیز بر اساس همین ایده استراتژی‌های خود را سامان داده‌اند. اسرائیل برای ایجاد هویت در توده نامنسجم یهودی در فلسطین اشغالی از ایده دشمن مشترک برای هویت‌بخشی و انسجام اجتماعی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر هویت جامعه

یهودی-اسرائیلی بر پایه یک اصل مشترک قرار گرفت و آن داشتن "دشمن مشترک" ضدیهوی است (افتخاری، ۱۳۸۰، ۱۳۷ و ۱۳۸؛ افتخاری، ۱۳۷۲، ۶ و ۵).

در دوران معاصر بسیاری از صف‌آرایی‌های بین‌المللی و تمدنی از این رهگذر قابل تبیین است. در زمان جنگ سرد بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و بین‌المللی آمریکا در تقابل با شوروی بود. پس از فروپاشی شوروی، غیبت دشمن مشترک آمریکا را دچار سردرگمی، بی‌هویتی، بی‌معنایی و بی‌هدفی در سیاست خارجی کرد به طوری که آمریکا برای توجیه رفتارها و هزینه‌های نظامی خود تحت فشار بود ولی اقدامات افرادی مثل صدام والقاعده بهانه بسیار خوبی برای آنها فراهم آورد تا با تقویت پدیده اسلام‌هراسی نزد افکار عمومی، با شعار مبارزه با تروریسم، اسلام را به عنوان دشمن خود در عرصه بین‌الملل معرفی کنند. (اسماعی، ۱۳۷۶، ۳۳-۴۰؛ گازیوروسکی، کدی، ۱۳۷۹: ۲۱۶؛ سریع القلم، ۱۳۷۹: ۱۱۲ و ۱۱۳) و اسرائیل (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۳۷ و ۱۳۸؛ افتخاری، ۱۳۷۲: ۶ و ۵) پیدایش نظریه‌های "پایان تاریخ" فوکویاما و یا "برخورد تمدن‌ها" (هانتینگتون: ۱۳۸۱) از سوی هانتینگتون از همین روست.

به این ترتیب انرژی که آمریکا قبلاً در تقابل با شوروی هزینه می‌کرد متوجه جهان اسلام شد. البته این تهدید در صورتی که مسلمانان را به هویت وعزم مشترک برای مقابله با این دشمن سوق دهد کارکرد انسجام‌بخشی دارد و می‌تواند به یک فرصت تبدیل شود. ولی متأسفانه به دلیل فعالیت استعمارگرانه دشمنان اسلام، نگرانی امنیتی کشورهای اسلامی بیشتر از ناحیه دیگر کشورهای مسلمان‌نشین است تا دشمنان خارجی (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۱۱۲ و ۱۱۳).

برائت از مشرکین در حج این پیام را برای مسلمانان دارد که آنها باید با وجود همه اختلافات و فرق بر محور توحید و کعبه متحد شوند و همگی کفر و کافران را به عنوان دشمن مشترک خود بدانند. یعنی علاوه بر اینکه قبله، پیامبر و کتاب همه مسلمانان یکی است، دشمن آنها نیز یکی است؛ چرا که دشمن مشترک همه مسلمانان علی‌رغم تفاوت‌های سیاسی و جغرافیای آنها در کفر و کافر بودن یکسان است.

در پاسخ به این سوال که برائت در حج در حالی که کافر و دشمنی در مکه نیست یا اینکه

برائت از دشمن به طور کلی و بدون تعیین مصداق چه کارکردی دارد می‌توان گفت چنانکه دشمن خارجی واقعی مشترک کارکردهای انسجام‌بخشی و هویت‌آفرینی دارد، وجود دشمن فرضی و انتزاعی که واقعیت مفهومی و معنایی دارد نیز چنین کارکردی دارد (برزگر، ۱۳۸۴: ج ۲، ۵۷ و ۵۶).

وقتی بر چیزی عنوان دشمن بودن اطلاق شد، آن گاه از طرف آن احساس خطر و تهدید می‌شود. به عبارت دیگر یکی از کارکردها و بروزات دشمن، تهدید است. "تهدید" کنش و فعلی اجتماعی است که گاهی در یک رفتار و گاهی در قالب کلمات بروز پیدا می‌کند. تهدید لزوماً عملی نمی‌شود بلکه تهدیدکننده می‌خواهد بر شخص تهدیدشونده سلطه یابد و "سلطه" برای رسیدن به اهداف استعماری تهدیدکننده است. در سوی دیگر تهدید، واکنش تهدیدشونده به تهدید وجود دارد که ممکن است به "مقاومت" و عدم تسلیم در مقابل خواست تهدیدکننده ختم شود (افتخاری، ۱۳۸۵: ۹۴).

فعل تهدید از آنجا که برخاسته از یک "غیر" است، سبب می‌شود در افراد تهدیدشونده هویت جمعی و وحدت و به دنبال آن عنصر مقاومت در جامعه به وجود آید. نکته مهم در اینجا این است که "ایستادگی، ایستادگی می‌آفریند"؛ یعنی قدرت و توان مردمی که به خاطر تهدید، تسلیم شده‌اند با دیدن نشانه‌های پیروزی جریان "مقاومت" بالا می‌رود. افزون بر این تداوم جریان مقاومت، توانمندی‌های جریان مقاومت را افزایش و توانمندی‌های جریان تهدید را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر زمان در رابطه بین مقاومت و تهدید عامل کاستن شدت تهدید و افزایش قوت مقاومت است. به این ترتیب عامل "شرایط" به نفع جریان مقاومت برخواهد گشت و به این نحو، جریان "مقاومت" می‌تواند به جریان "سلطه" غلبه یابد (خجسته، ۱۳۹۰: ۷۲۷-۷۵۱).

وقتی مسلمانان کافران را دشمن خود بدانند آنگاه از جانب آنها احساس تهدید می‌کنند و روابط خود را با سایر مسلمانان و غیرمسلمانان به گونه دیگری تنظیم می‌کنند که در راستای عزت‌یابی و حفظ منابع و منافعشان باشد نه آن چیزی که در چند قرن اخیر در استعمار کشورهای

۱- مقام معظم رهوی این مسأله را به زیبایی در تاریخ صدر اسلام تبیین نموده‌اند. ر.ک: بیانات مقام معظم رهوی در دیدار مسؤلان نظام به مناسبت میعت حضرت رسول اعظم (ص)، ۱۳۸۷/۵/۹.

اسلامی و خودباختگی آنها در برابر غرب گذشته است.

از این رو حج این ظرفیت را دارد که در قالب مراسم برائت از مشرکین مسلمانان را متوجه خطر دشمن بزرگی به نام اسرائیل کند چنانکه خداوند در قرآن، یهود را بزرگ‌ترین دشمن مسلمانان می‌داند. (سوره مائده، آیه ۸۲)

رژیم اشغالگر قدس برخلاف دولت‌های عربی منطقه که نام خانواده‌های حاکم را بر کشورشان گذاشته‌اند (مانند عربستان سعودی، اردن هاشمی) نامی مبتنی بر مذهب را برگزیدند تا نماد پیوستگی‌شان به مذهب و یادبودهایشان و احترام به ارزش‌های مقدسشان باشد. از این جهت نوعی تقابل با امت اسلامی از همان ابتدا به صورت ماندگار خودنمایی کرد.

نظریه‌های گوناگونی در مورد ماهیت و عملکرد رژیم صهیونیستی در خاورمیانه مطرح است (کیالی، ۱۳۷۶: ۳۷ - ۳۵؛ ولایتی، ۱۳۷۶: ۴؛ المسیری، ۱۹۸۲: ۱۳۱ - ۱۲۴) که می‌توان آنها را در راستای تقابل با امت اسلامی جمع‌بندی کرد.

صلیبی‌ها از یک طرف با فناوری پیشرفته خویش بر جهان اسلام سیطره یافتند و از سوی دیگر به کمک هجوم فرهنگی، موجب استحاله معنوی و تضعیف اعتقادی و سست شدن مبانی اعتقادی مسلمانان شدند و سرانجام به هزینه صهیونیزم، جنگ فرسایشی را که ممکن است سال‌ها طول بکشد بر مسلمان‌ها تحمیل کردند که در بیش از نیم قرن سرمایه‌های عظیمی را از آنها بلعیده است. این جنگ به بهای جان هزاران نفر و آوارگی میلیون‌ها انسان تمام شد. و شجره خبیثه‌ای که نهضت در رؤیای تئودور هرتسل (۱۹۰۴ - ۱۸۶۰) شکل گرفت، در وعده بالفور تعبیر گردید پس دستور کشت آن را چرچیل (۱۹۶۵ - ۱۸۷۴) در کنفرانس قاهره صادر کرد و در سرزمین فلسطین به ثمر نشست (عطایی، ۱۳۷۹: ج ۵، ۲۴ - ۱) و بدین ترتیب هم اهداف اوربان دوم محقق شد و هم پیروان مارتین لوتر (۱۵۴۶ - ۱۴۸۳ م) و کالون (۱۵۶۴ - ۱۵۰۹) بیشترین کمک سیاسی و مالی را کردند تا ارتدوکس‌های اروپای شرقی و مرکزی مهاجران اشکنازی را به ارض اقدس گسیل دارند.

به طور کلی اگر در یک مورد مخالفان قدیم و معارضان جدید پاپ با پیروان واتیکان در عمل

اتفاق نظر نشان دادند، آن اشغال فلسطین به دست صهیونیست‌ها بود. البته مسیحیان شرق، خاورمیانه و کشورهای عرب از این قاعده مستثنی بودند. براین اساس می‌توان گفت مسیحیت چنین تجویزی نکرده است. بلکه صلیبی‌گری غربی متأثر از فرهنگ گلاادیاتوری روی عامل اساسی این تفکر صلیبی است که نیروهای سه‌مناک سده‌های ۵ تا ۷ هجری (۱۱ تا ۱۳ میلادی) را به نیابت از قیصرهای رومی به راه انداخته بودند، نه مسیحیان نسطوری و فلسطینی و سوری.

آنچه امروز غربی‌ها به نام مسیحیت عرضه می‌کنند، فرهنگ زورمدارانه روم قدیم است که لعابی از مسیحیت را بر خود دارد. آنها که روزی می‌خواستند عیسی مسیح ۷ را به صلیب بکشند (نساء، آیه ۱۵۷) و صلیب را برای مصلوب کردن آن بزرگوار به دوش کشیدند در جنگ‌های صلیبی به خونخواهی آن وجود بزرگوار با همان نشان صلیب بر روی مسلمانان شمشیر کشیدند که هر دوی این اقدامات در یک جهت بود: در جهت کلیت تاریخ و تقابل غرب و شرق؛ شرقی که همواره خورشید وحی از آن برتافته و بر غرب تابیده است (توسلی، ۱۳۷۸: ۴۱ - ۲۶).

شکل‌گیری حکومت صهیونیست‌ها در خاورمیانه هم زمان با دوران ضعف دولت‌های مسلمان به ویژه با افول امپراطوری عثمانی از سده هجدهم همراه بود. اجلاس قاهره نه تنها موجب تثبیت صهیونیسم شد، بلکه شکل‌گیری تاریخی جغرافیای سیاسی منطقه را تغییر داد و نقشه‌های جدیدی ترسیم گردید. ماجرای اشغال فلسطین خنجری بر پهلوی امت اسلام بود که سه جنگ خانمان برانداز را به مسلمین تحمیل کرد و میلیون‌ها فلسطینی را به خاک سیاه نشاند و سلطه شوم صهیونیست‌ها را تثبیت نمود. بخش‌های آباد اردن، سوریه، لبنان به اشغال وارثان بن‌گوریون (۱۹۷۳ - ۱۸۸۶) در آمد و بخش‌های بیشتری از خاک همسایگان فلسطین را رژیم صهیونیستی اشغال کرد (ولایتی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۰۵۵).

به طور کلی درون‌مایه اصول صهیونیسم ساختن نه تنها یک مذهب بلکه یک ملت و یک دولت از یهودیت است که می‌کوشد تا همه یهودیان دنیا را با توسل به جنگ‌های توسعه‌طلبانه در سرزمین موعود (اسرائیل بزرگ) گرد هم آورد. از آنجا که صهیونیسم سلطه اقلیت استثمارگری در جهان است که با منشأ غربی در جهت اهداف استعماری و امپریالیستی خود در خاورمیانه پایگاهی

به نام اسرائیل را به وجود آورده است. از این رو توسعه‌طلبی در جوهره و ذات چنین جنبشی است. از اهداف راهبردی و اعلام شده صهیونیسم، کوشش برای تشکیل «اسرائیل بزرگ» با گستره‌ای از «نیل تا فرات» است. آنها این اشتباهی سیری ناپذیر خود را با توسل به تورات، رنگ و بوی مذهبی نیز می‌دهند و این گونه تبلیغ می‌کنند که براساس تعالیم مذهبی، سرزمین نیل تا فرات به فرزندان یهود اهدا شده است (محمد حمید، ۱۹۹۴: ۶۳ - ۵۷؛ گارودی، ۱۳۶۹: ۱۳۳).

اسرائیل برای تحقق اهداف توسعه‌طلبانه‌اش علاوه بر حفظ برتری فنی چشمگیر به سود موجودیت اسرائیل در برابر همه کشورهای عربی و جهان اسلام (کمیت عربی در مقابل کیفیت صهیونیستی) که قادر به تحمیل تسلیم بر عرب‌هاست. (موسسه الارض ویژه مطالعات فلسطینی، ۱۳۶۳: ۲۷۷-۲۷۵) تفرقه‌افکنی در جهان عرب را در دستور کار خود قرار داده است. صهیونیسم به مثابه ابزار امپریالیسم جهانی در جهان اسلام می‌کوشد تا با سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن جنبش‌های اسلامی و عربی را در هم بکوبد (ولایتی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۰۵۸).

این موضوع در نوشته‌های نظریه‌پردازان و نویسندگان صهیونیست مانند اوریشتاین و دیوید کاما به روشنی آمده است (روکاج، ۱۳۶۵: ۷۶ - ۶۷).

با وجود همه کارشکنی‌ها و اسلام‌ستیزی‌های رژیم صهیونیستی بیداری اسلامی به منزله اساسی‌ترین منبع قدرت سیاسی کشورهای اسلامی در حال شکل گرفتن است با وجود توطئه‌های جهانی برای درهم کوبیدن مقاومت اسلامی، مسلمانان با تکیه بر هویت و فرهنگ اسلامی، در صدد احیای آرمان‌های جاویدان خویش‌اند و استمرار مقاومت نشانه بیداری امت اسلامی و شکوه جهان اسلام است.

در جایی که اصلی‌ترین انگیزه استعمار غرب در هجوم به کشورهای اسلامی از مبنای اعتقادی و دینی او نشئت می‌گیرد، در برابر باید جهان اسلام با بازگشت به اسلام و تمدن و هویت

۱- طرح تقسیم فلسطین از سوی سازمان ملل متحد در ۱۹۴۷ مطرح شد که بر مبنای آن تشکیل دولت مستقل یهودی و عربی مورد تایید قرار گرفته بود و بیت‌المقدس نیز بین المللی اعلام شده بود. در این طرح به یهودیان که کمترین جمعیت را داشته و مالک سرزمین کمتر از ۶ درصد کل فلسطین بودند، ۵۷ درصد از کل سرزمین فلسطین را بخشید. (ر.ک: کتان، ۱۳۶۸: ۷۷؛ احمد ی، ۱۳۶۹: ۴۷۸ - ۴۷۶).

اسلامی خویش و اسلامی کردن مبارزه با صهیونیسم، به جای عربی دانستن آن به رویارویی با صهیونیسم جهانی پردازد (ولایتی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۰۶۴).

آنچه در یکصد سال اخیر در فلسطین روی داده برآیندی از تحولات تاریخی در سده‌های گذشته است. هنگامی که ژنرال آلبینی (۱۹۳۶-۱۸۶۱) به بیت المقدس گام نهاد، چنین گفت: «جنگ‌های صلیبی امروز پایان یافت» این عبارت تفکر و نگرانی حاکم بر جوامع غربی را در مورد شکوه تمدن اسلامی به خوبی نمایان می‌سازد. از نظر آنها مسلمانان همچنین خطری هستند که حیات سیاسی-اجتماعی غرب را تهدید می‌کنند. صلیبیان عصر جدید نیز سنت نیاکان خود را به قلب جهان اسلام و نابودی کشورهای اسلامی حفظ کرده‌ند، البته به صورت غیرمستقیم نه حمله نظامی در زیر پرچم کلیسا (ولایتی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۰۶۵ و ۱۰۶۴).

جهان غرب در آغاز سده بیستم با تهییج یهودیان برای مهاجرت به فلسطین خلاص شدن از شر یهودیان ناآرام مسأله‌ساز، زخمی را در پیکره جامعه اسلامی پدید آورد که نه تنها اسباب دل‌مشغولی مسلمانان می‌شد بلکه تفرقه و نفاق و کاهش توان جهان اسلام را نیز به همراه می‌آورد. تشکیلی دولتی غیرمسلمان در قلب جهان اسلام مانع از یکپارچگی سیاسی سرزمین‌های اسلامی می‌شد و عامل مؤثر در رشد فرهنگ غربی در تمدن اسلامی به شمار می‌آمد. این اقدام صهیونیستی حرکتی حساب شده بود تا با سلطه سیاسی بر چهار راه ارتباطی جهان اسلام، مانع از رشد و تعالی عامه مسلمین گردند (ولایتی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۰۶۵).

باید به این واقعیت تصریح نمود که سیاست درازمدت صهیونیست‌ها برای تسلط همه جانبه بر امور سیاسی-اجتماعی جهان اسلام، اقدامی عملی برای زدودن اندیشه ناب اسلامی و نابودی بنیان‌های والای تمدن اسلامی در جهان معاصر است که از پشتیبانی کامل دنیای غرب نیز برخوردار است (ولایتی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۰۶۶).

از آنچه بیان شد می‌توانیم به این نتیجه برسیم که از طرفی اسرائیل دشمن امت اسلام و نه فقط فلسطین و از طرف دیگر حج ابراهیمی در قالب مراسم برائت از مشرکین مسلمانان را حول مقابله با دشمن مشترک گرد می‌آورد.

ظرفیت‌های حج ابراهیمی در تقویت آرمان فلسطین

امام خمینی و در ادامه ایشان مقام معظم رهبری از مهم‌ترین شخصیت‌های معاصر اسلامی هستند که بر اهمیت و ضرورت مسأله فلسطین و جایگاه آن در بیداری اسلامی روشنگری‌های زیادی انجام دادند و توانستند جهان اسلام را نسبت به این مسأله حساس کنند که فلسطین فقط یک مسأله عربی نیست بلکه همه مسلمانان به عنوان یک عامل هویت‌بخش به آن بنگرند و حول این محور منسجم شوند. از طرف دیگر حج نیز عبادتی بین‌المللی است که نمایشی از اقتدار و وحدت امت اسلامی را به تصویر می‌کشد.

مقام معظم رهبری حج را فقط به عنوان عبادتی فردی با ابعاد اخلاقی و فقهی صرف نمی‌دانند بلکه علاوه بر این حج را با کارکردهای سیاسی و اجتماعی تبیین می‌کنند که در آن باید مسائل سیاسی و اجتماعی جهان اسلام را مطرح کرد و در صدد رفع آن بر آمد. امام خمینی در این مورد می‌گوید:

«باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ ... شما ملت‌های مسلمان را مکلف می‌سازد... در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم‌پیمان شوید. گرفتاری‌های ملل مُسلم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکنید... برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره اندیشی کنید. از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه می‌کنند غفلت نوزید» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۱).

ایشان در پیام‌های خور به کنگره حج نوع مسائلی را که می‌توان در حج مطرح کرد، نیز بیان می‌کنند. (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۷: ۱۱۱) ایشان در جای دیگر فلسفه حج را در پاسخگویی به مسائل امت اسلامی و پاسخ به فریاد مسلمانان فلسطین تبیین می‌کنند. (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۶ و ۲۷) البته دشمنان در از بین بردن این بعد مهم و حساس حج بسیار تلاش می‌کنند تا حج در ابعاد فردی و مناسکی صرف خلاصه شود (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

مقام معظم رهبری نیز بر اینکه در حج باید مسائل جهان اسلام مطرح شود تاکید می‌کنند و مسأله فلسطین را در این خصوص در راستای تقویت امت اسلامی بسیار مهم می‌دانند:

«در حج باید مسایل جهان اسلام بررسی شود. بزرگترین مسأله عمومی مسلمین پس از لزوم آمادگی برای دفاع از اسلام و هویت جمعی مسلمین، مسأله ملت‌های زیرستم و مبارزی است که دست طغیان و کفر و استکبار، آنان را مقهور و مظلوم ساخته و سخت‌ترین شرایط زندگی را بر آنان تحمیل کرده است. ملت مظلوم فلسطین، نمونه بارزی از این گونه ملت‌هاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۴۳).

ایشان در جای دیگر علت لزوم بررسی مسائل جهان اسلامی در حج را بیان می‌کند و سپس مهم‌ترین مسأله جهان اسلام را فلسطین می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۷۴).

در این بخش ظرفیت‌های حج در تقویت آرمان فلسطین را بر اساس پیام‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری به حج بررسی می‌کنیم. جهت بررسی ظرفیت‌های حج در مسأله فلسطین، دو حیطة سلبی و ایجابی که در بخش چارچوب نظری بیان شده را در سه حیطة دانشی، گرایشی و کنشی بررسی می‌کنیم.

۱- دانشی (آگاهی بخشی)

حج فرصت بسیار خوبی برای اطلاع‌رسانی و افشاگری در موضوع فلسطین و بیان دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمن است. در بسیاری از موارد مسلمانان به دلیل جهل و ناآگاهی دچار تشتت شده است. دشمنان اسلامی نیز از این ره‌گذر بسیاری از توطئه‌های خود را پیش برده‌اند. در این بخش نقش آگاهی‌رسانی حج را در تقویت جایگاه فلسطین در بیداری اسلامی مرور می‌کنیم.

۱-۱- توجه به نقش دولت‌ها

امام خمینی رسالت دولت‌های اسلامی را در مقابل فلسطین مهم می‌داند:

اسرائیل، مفسدی که فلسطینیان مظلوم را بدین روز انداخته و به لبنان قهرمان آنهمه ظلم کرده و به کشورهای منطقه تعدی و تجاوز نموده است. چه چیز بهتر از

اینکه دولت‌های منطقه دست در دست هم نهند و منطقه را از شرّ اسرائیل و آمریکای طرفدارش نجات دهند (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

ایشان در جای دیگر از دولت‌های اسلامی به شدت انتقاد می‌کند:

«ما نه فقط برای آوارگی یک عده مظلوم که از سرزمین‌های خود رانده شدند و پناهگاهی ندارند در سوگ و عزا هستیم، که مصیبت بزرگ آن است که این جنایت‌ها به دست اسرائیل در مرئی و منظر دولت‌های مدعی اسلام انجام می‌شود. فاجعه بزرگ آن است که این دولت‌های مدعی اسلام برای ناز شست آمریکا و اسرائیل فعالیت می‌کنند که مو به مو «طرح کمپ دیوید» یا شبیه آن را اجرا کنند و به دنبال این جنایت عظیم، صریحاً اسرائیل را به رسمیت یا به آقایی بشناسند. فاجعه برای مسلمانان آن است که بعضی از دولت‌های به اصطلاح مسلمان، با دیدن این فجایع بزرگ مانع می‌شوند تا مظلومان از دست ستمگران حتی ناله کنند» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

مقام معظم رهبری نیز خیانت سران اسلامی را از دلایل شکست قیام فلسطین می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۴۳)

۱-۲- ارائه راهکار

الف) ایمان و معنویت‌گرایی

مقام معظم رهبری همواره مسلمانان را به بازگشت به اصول اسلامی دعوت می‌کنند و در موضوع فلسطین نیز همین راه‌کار راه صورت جدی بیان می‌کنند:

«درس بزرگ امام راحل عظیم الشان ما (قدس سره)، بازگشت به خود، بازگشت به اسلام و شناختن قدر خود و قدر ذخایر معنوی بی‌شمار خود بود... اگر چنین شود، دولت غاصب صهیونیست، توان مقاومت در برابر قدرت امت اسلامی را نخواهد داشت و ایالات متحده بیش از این جرأت بازی با سرنوشت ملت فلسطین و استهزای دولت‌های عرب را نخواهد یافت. اگر چنین شود، دولت‌های عرب خود را

مجبور نخواهند پنداشت که بر خلاف حق و برخلاف واقع، ملت فلسطین را نادیده بگیرند و مسأله فلسطین را به دست فراموشی بسپارند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

مقام معظم رهبری اساساً احیای مسأله فلسطین و ایجاد روحیه جهاد و مبارزه را حاصل بازگشت به ایمان اسلامی می‌دانند و خطاب به زائران خانه خدا می‌فرمایند:

«آن روزی که دین با این چهره روشن و درخشان و پُرحماسه و افتخارآمیز در این جا ظهور کرد، آن هنگامی بود که هر جا قالب افسرده به خاطر دوری از دین، راه خود را از دست داده بود، به جان آمد. در منطقه فلسطین و لبنان، آن جایی که مردم سال‌ها بود طعم ذلت را به وسیله دشمن در کام خودشان حس کرده بودند، کسانی بودند که در عمر خودشان هیچ آشنایی با دین نداشتند؛ اما گفتند ما اسلام را قبول کرده‌ایم و در مقابل اسلام خاضع شده‌ایم و در برابر دشمن ایستادگی می‌کنیم. اسلام، آن اسلامی است که رهبر عظیم الشان بی نظیر جمهوری اسلامی - امام بزرگوار - آن را بر سر دست گرفت و به دنیا معرفی کرد؛ لذا فلسطین دوباره احیا شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۷۹).

ب) وحدت

حضرت امام بر نقش وحدت در موضوع فلسطین بسیار تأکید داشتند:

«مع الأسف با اختلافاتی که در مناطق دیده می‌شود و خصوصاً در مناطق عربی - این موجب شده است که اسرائیل با جمعیت کمی که دارد در مقابل اعراب با آن جمعیت کثیر و ساز و برگ کثیر ایستادگی کند... بر مسلمین و بر دولت‌های اسلامی است که با هم متحد بشوند و این جرثومه فساد را از بن و بیخ برکنند و [به] کسانی که پشتیبانی آنها را می‌کنند اجازه ندهند که پشتیبانی کنند. من از خدای تبارک و تعالی قدرت اسلام و عظمت اسلام و مسلمین را و وحدت کلمه آنها را خواستارم» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۹ و ۲۰).

ج) استفاده از ظرفیت‌های امت اسلامی

امام خمینی همواره مسلمانان را به استفاده از توانمندی‌های خود در مقابله با دشمنان فرامی‌خواندند: مسلمانانی که دارای آنهمه امکانات معنوی و مادی هستند که با یک تشر می‌تواند آمریکا را از منطقه عقب برانند تا چه رسد به اسرائیل (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

امام خمینی پس از نقد سکوت دولت‌های اسلامی در مقابل اسرائیل، نفت را به عنوان یک سلاح استراتژیک در دستان مسلمانان معرفی می‌کند تا زائران خانه خدا به این ظرفیت عظیم پی ببرند:

«شریان حیات شرق و غرب در دست اینهاست، نفت شریان حیات اینهاست. اگر ده روز نفت را به روی آنها ببندند خاضع می‌شوند آنها. در عین حالی که این شریان در دست حکومت‌های باصلاح اسلامی است، در عین حال تقدیم می‌کنند و التماس هم می‌کنند. این مصیبت نیست؟» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۱۴)

۱-۳- دشمن شناسی

امام خمینی یکی از مهم‌ترین کارکردهای سیاسی حج را دشمن شناسی می‌داند:

«مسلمانان حاضر در مواقف کریمه، از هر ملت و مذهب که هستند، باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله) ابر قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی و روی زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه‌ای دست بردار نیستند. و رمز موفقیت آنان در این توطئه شیطانی تفرقه انداختن بین مسلمانان، به هر شکل که بتوانند، می‌باشد.» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

و در جای دیگر می‌فرماید:

«ای زائران خانه خدا! توطئه‌های راست و چپ و خصوص آمریکای چپ‌اولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش عالمیان برسانید» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

از این جهت حج فرصت خوبی برای بیان سیاست‌ها و توطئه‌های دشمن است: یکی از سیاست‌های جنایت‌کارانه دشمن برای شکستن مقاومت امت اسلامی در فلسطین ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی است. حضرت امام خطاب به زائران خانه خدا، ضمن بیان این مسأله توطئه دشمن در تهمت زدن به ایران در مورد خرید اسلحه از اسرائیل را رد می‌کند تا در جبهه امت اسلامی در مقابل دشمن خللی وارد نشود. (خمینی، ۱۳۸۷: ۷۵)

حضرت امام به زائران خانه خدا بیان می‌کنند که اسرائیل با همه جهان اسلام جنگ دارد و اساساً با اسلام مخالف است:

«شما خیال می‌کنید اسرائیل قانع به این امور است؟ اسرائیل بنایش بر این است که همه این مسلمین را از بین ببرد، آمریکا هم بنایش بر این است که اسلام نباشد در کار. اینها برای اینکه جمهوری اسلامی، اسم «اسلام» را دارد و می‌خواهد به اسلام عمل می‌کند، همه با آن مخالفت کردند». (خمینی، ۱۳۸۷: ۹۷)

در جای دیگر می‌فرماید:

«و من کراراً تذکر داده‌ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می‌داند، و شما را غاصب سرزمین‌های خویش می‌شمرد، گرچه اکنون جرأت اظهار صریح آن را ندارد. چنانچه صدام، برادر اسرائیل، نیز برای سلطه بر منطقه تلاش می‌کند. و بر فرض باطل با به قدرت رسیدن، آرامش را از همه سلب می‌نماید». (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۹، ۱۴۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۴۱)

مقام معظم رهبری در بیان توطئه‌ها اسرائیل می‌فرماید:

«امروز صهیونیست‌های غاصب و آمریکا به عنوان حامی همه جانبه آنها تا آن جا پیش رفته‌اند که حتی ملیت فلسطینی را هم انکار می‌کنند و حقیقتی به نام ملت فلسطین را نمی‌شناسند. در حالی که ملت فلسطین، ملتی است با ریشه‌های عمیق تاریخی و پیوندهای انکارناپذیر جغرافیایی، و آن که نه ریشه تاریخی دارد و نه رابطه جغرافیایی، ملت جعلی و دروغین اسرائیلی است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۰۹)

ایشان همچنین نسبت شیعی‌گری یا ایرانی‌گری به مبارزان را از دیگر توطئه‌های دشمن برای سست کردن جبهه امت اسلامی می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۷۸) و مقابله با فلسطینیان به بهانه مبارزه با تروریسم و حقوق بشر را نیرنگ و نفاق دشمنان معرفی می‌کنند و مسلمانان را از این خدعه برحذر می‌دارد:

«مهم‌ترین ابزار این ددمنشان آدمی‌خوار، پرده‌ی نفاق و فریبی است که بر چهره‌ی خود کشیده‌اند. جوخه‌های تروریستی را تجهیز و به قصد جان بیگناهان روانه می‌کنند، و دم از مبارزه با تروریسم می‌زنند. از دولت تروریست و جلادی که فلسطین را غصب کرده، علناً پشتیبانی می‌کنند و مدافعان جان به لب رسیده فلسطینی را تروریست می‌نامند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۳۷ و ۳۱۹)

ایشان در جای دیگر پس از بیان جنایات تروریستی اسرائیل و آمریکا خطاب به زائران خانه خدا می‌فرماید:

«طعن‌زنی و قبحانۀ به حقیقت است که کشتار زن و مرد و کودک فلسطینی و خراب کردن خانۀ فلسطینیان بر سرشان و بیرون راندن آنان از میهن آباء و اجدادیشان، طرفداری و دفاع از صلح نام‌گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۹۶). اشغالگران از سوئی نهضت‌های مقاومت مردمی در فلسطین و لبنان و دیگر نقاط را تروریست می‌نامند و از سوئی تروریسم وحشی فرقه‌ای و قومی را میان ملت‌های این منطقه سازماندهی و رهبری می‌کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۴۰۲)

ایشان همچنین مسلمانان را از این توطئه دشمن که موضوع فلسطین را امری ملی قلمداد می‌کنند و آن را از ماهیت دینی‌اش دور می‌کنند آگاه می‌کنند:

«حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست... آیا تنها آوای وطن‌گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ ... شکی نیست که این آوای «الله اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است» (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

۴-۱- معرفی الگوهای مبارزه در جهان اسلام

امام خمینی بر این باور است که قیام انتفاضه بر اثر الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران وارد مرحله جدیدی شده است (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۵۷ و ۲۵۸) و پس از اینکه سران کشورهای اسلامی را به تفکر در امور کشورهای تحت ستم فرا می‌خوانند از آنها می‌خواهند: «در حال ملت و دولت ایران مطالعه کنند که خود را از زیر بار قلدری‌های هر دو قطب خارج کرده و پرتو پیروزی آن و اسلام عزیز در سراسر جهان نورافشانی می‌کند و در راه شرف اسلام و عزت میهن اسلامی خویش بپاخاسته است.» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

۵-۱- بیان آسیب‌های مبارزه و قیام

مقام معظم رهبری پس بیان اینکه مبارزات فلسطین تا به حال به نتیجه نرسیده، علت آن را دوری از ماهیت دینی می‌داند و می‌فرماید: «امروز بحمدالله عنصر ایمان و جهاد اسلامی در مبارزات ملت فلسطین در داخل وطن مغضوب زنده شده، و به همین جهت معادله قدرت در فلسطین به سود فلسطینیان نسبت به گذشته تغییر کرده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۴۳).

افزون بر دوری از ماهیت دینی، سازشکاری در مسیر مبارزه آفت بزرگی برای قیام است. امام خمینی (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۰۳) و مقام معظم رهبری (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۸۶) بر ضرورت قیام و مبارزه تاکید کرده و مسلمانان را به انزجار از سازشکاران فرامی‌خوانند. امام خمینی در این مورد می‌فرماید:

«ملت‌های مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته‌ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمین‌های غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده‌اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره‌ها و رفت‌وآمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه دار کنند، که این انقلابی‌نماهای کم شخصیت و خودفروخته به اسم آزادی قدس به آمریکا و اسرائیل متوسل

شده‌اند» (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۰۳).

ایشان ماهیت صلح و سازش با اسرائیل و عواقب آن را بیان می‌کنند:

«حالا مثلا به اصطلاح مذاکرات صلح راه انداخته‌اند، برای اینکه قیام مسلمانان فلسطین را خاموش کنند! مگر توانستند؟ مگر می‌توانند؟ اسمش را گذاشته‌اند «صلح»! این صلح است یا ظلم است؟... می‌خواهند یک ظلم را تثبیت کنند؛ می‌خواهند یک ظلم را قانونی و رسمی کنند... همه مسلمانان باید مخالف باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

ایشان توجه زائران خانه خدا را به این نکته جلب می‌کنند که سازشکاران در رفاه و اسایش نیستند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۰۳)

۱-۶- پیوستگی منافع امت اسلامی با فلسطین

مقام معظم رهبری امت اسلامی را متوجه این نکته اساسی می‌کنند که منافع آنها جدای از منافع فلسطین نیست. به عبارت دیگر دشمن همه یکسان است و فلسطین در خط مقدم مبارزه‌ای است که به همه مسلمانان مربوط می‌شود. بنابراین همه باید در این عرصه فعال باشند.

«حج می‌تواند دنیای اسلام را متوجه مسؤولیت سنگین خود کند. حج می‌تواند این معرفت را به ملت‌های اسلامی بدهد که حضور در صحنه و داشتن موضع قاطع در این قضیه، با منافع خود آنها پیوستگی دارد. بعضی خیال می‌کنند حمایت از مردم فلسطین، خارج از منافع ملی کشورهاست؛ این اشتباه خیلی بزرگی است... این قضیه ممکن است برای ملت‌های مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کمالین که دیدید در مواردی برای ملت‌ها پیش آمده است... پس حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین، در حقیقت حمایت دنیای اسلام از یک یک کشورهای مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه آنهاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۸۶ و ۲۸۷).

۲. گرایش‌های (احساسی)

در حج می‌توان احساسات، تمایلات و گرایش‌های مسلمین را در راستای دفاع از فلسطین به عنوان

یکی از مهم‌ترین محورهای بیداری اسلامی تقویت کرد. در این خصوص ظرفیت‌های متعددی در حج برای تقویت بیداری اسلامی در پیام‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری در موضوع حج وجود دارد:

۲-۱- برانگیختن احساسات مسلمانان

امام خمینی با لحنی شورانگیز احساسات امت اسلامی در حج را در حمایت از فلسطین بر می‌انگیزد:

«آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با اینهمه سرمایه‌های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب متری و پشتوانه الهی تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریایی و زمینی قرن بدهند؟ ... آیا وقت آن نرسیده است که ملت مبارز و غیور فلسطین، بازی‌های سیاسی مدعیان مبارزه با اسرائیل را شدیداً محکوم نموده و با سلاح گرم، سینه اسرائیل دشمن سرسخت اسلام و مسلمین را بشکافند؟ آیا مسلمانان چه جوابی در مقابل خداوند عظیم که آنان را دعوت به اعتصام بحبل الله نموده و از تفرقه و نزاع نهی فرموده است دارند؟» (خمینی، ۱۳۸۷: ۷۷).

امام خمینی ضمن ابراز تعجب از سکوت مسلمانان در مقابل جنایات اسرائیل می‌فرماید:

«ننگ نیست بر کشورهای اسلامی بر حکومت‌های کشورهای اسلامی که اسرائیل بیاید و فلسطینی‌ها را آن طور کند؟ در لبنان آن جنایت‌ها را بکند و یک میلیارد جمعیت مسلمین بنشینند تماشاچی باشند؟ از چی می‌ترسند اینها؟ چرا باید این قدر بی‌عرضه باشند؟» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۱۴ و ۲۰۳).

امام خمینی پس از نقد حق و تو در تحریک و تهییج مسلمانان، عافیت‌طلبان را این چنین از

خطر اسرائیل آگاه می‌کند:

«الآن اسرائیل در مقابل همه کشورهای اسلامی ایستاده، می‌گوید غلط نکنید. این تاسف ندارد؟ انسان نیستند اینهایی که در رأس امور هستند که اسرائیل در

۱. اشاره است به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید.

مقابلشان ایستاده، می‌گوید فضولی موقوف! آمد و بیروت را گرفت و آن همه جنایات وارد کرد و سازمان آزادی‌بخش را به هم زد اوضاعش را و همه را متفرق کرد، و بعد هم بدانید که شماهایی که ساکت بودید و در این جنایات مقابله نکردید، همین نشستید و یک کلمه‌ای گفتید، آن هم کلمه‌ای که گاهی موافق با آنها بوده، نوبت شما هم می‌رسد. اسراییل به خدمت شما هم می‌آید» (خمینی، ۱۳۸۷: ۹۶ و ۹۷).

مقام معظم رهبری نیز در این خصوص می‌فرماید:

«امروز شما ببینید از تفرق دنیای اسلام و همدل نبودن دست اندرکاران کشورهای اسلامی، بخشی از دنیای اسلام چه می‌کشد. امروز فلسطین با سابعانه‌ترین روش‌ها لگدکوب می‌شود و مردم فلسطین در سخت‌ترین روزهای ممکن برای یک ملت، دارند روزگار می‌گذرانند. دنیای اسلام با همه امکاناتی که دارد، با وجود میل و علاقه‌ای که بسیاری از مردم جهان اسلام برای کمک دارند، عملاً کمکی به این قضیه نمی‌شود؛ این خیلی دردناک است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۸۶).

۲-۲- روحیه دادن به مسلمانان

امام خمینی و مقام معظم رهبری در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به مناسبت حج، علاوه بر تحریک احساسات مسلمانان به حج، روحیه مبارزان فلسطینی را نیز تقویت می‌کردند.

«هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است» (خمینی، ۱۳۸۷: ۷۶).

مقام معظم رهبری نیز در این خصوص می‌فرماید:

«ما شک نداریم که در آینده نه چندان دور، عاقبت ملت فلسطین در سایه فداکاری خود و آگاهی دنیای اسلام، به حق مغضوب خود دست خواهد یافت و بیگانه

متجاوز و ستمگر را از خانه خود بیرون خواهد افکند؛ ولی تصمیم و اراده دولت‌ها و ملت‌های مسلمان به فضل الهی خواهد توانست این آینده را تسریع کند و از محنت‌های آن بکاهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

مقام معظم رهبری در ترسیم اوضاع بین‌الملل پس از بیان مشکلات و بحران‌های تمدن غرب، آغاز روند رشد و شکوفایی امت اسلامی را بیان می‌کند و سپس خطاب به زائران خانه خدا نقش و جایگاه فلسطین را در این عرصه بیان می‌کنند و مسلمانان را به همکاری در این عرصه فرا می‌خواند:

«دنیای اسلام، نسیم بیداری اسلامی را بر چهره ملت‌هت و رنج کشیده خود حس می‌کند و نشانه‌های آن را در جابجای جهان اسلام، بویژه در ایران مجاهد و سربلند و نیز در فلسطین و لبنان به چشم می‌بیند. فروغ امید، دل‌های جوانان را در همه جا روشن کرده و طلسم تحقیر و تحکم غرب، دَرهَم شکسته است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۸۳).

مقام معظم رهبری پس از بیان توطئه‌ها و تلاش‌های استعماری و استکباری دشمنان امت اسلام، مقاومت فلسطینیان را آن قدر مهم و کارساز می‌داند که سبب و نشانه عصبانیت، زبونی و ضعف دشمنان است:

«قیام خونین ملت فلسطین و پرچم پرافتخار انتفاضه، طراخان سیاسی استکبار را خشمگین و سراسیمه کرده و آنان را به اعمال گستاخانه و قدرت‌نمایی دیوانه‌وار وسوسه می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۹۵ و ۲۹۶).

در جای دیگر می‌فرماید:

«در مناطقی از دنیای اسلام که نقطه اوج آن کشور مظلوم فلسطین است، مردان و زنان بیشماری با بذل جان در زیر پرچم اسلام و با شعار استقلال و عزت و آزادی، حماسه‌ای دایمی و همه روزه پدید آورده و قدرت‌های مادی مستکبر را در برابر دلیری خود، زبون ساخته‌اند. آری، بیداری اسلامی، محاسبات استکباری را به هم

ریخته و معادلات جهانی مطلوب مستکبران را تغییر داده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۱۷).

همچنین می‌فرماید:

«شدت عمل دشمن غالباً نشانه ضعف و بی‌تدبیری اوست. به صحنه فلسطین و بویژه غزه بنگرید. حرکات بی‌رحمانه و دژخیمانه دشمن در غزه که نظیر آن در تاریخ ظلم‌های بشری کمتر دیده شده است، نشانه ضعف او در فائق آمدن بر اراده مستحکم آن مردان و زنان و جوانان و کودکانی است که با دست خالی، در برابر رژیم غاصب و پشتیبانش یعنی ابرقدرت آمریکا ایستاده و خواسته آنها را که رویگردانی از دولت حماس است زیر پای خود افکنده‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۹۳).

ایشان در نهایت پیروزی را برای فلسطین می‌داند:

پیروز نهایی در این کارزار حق و باطل، جز حق نیست و این ملت مظلوم و صبور فلسطین است که سرانجام بر دشمن پیروز خواهد شد «و کان الله قویا عزیزا» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۹۳).

۳. کنشی (رفتاری)

علاوه بر روشنگری و روحیه‌بخشی در حج می‌توان اقدامات عملی در دفاع از مسلمانان فلسطین انجام داد. حج فرصت بزرگی برای عزت‌بخشی و قدرت‌آفرینی دینی در راستای تقویت بیداری اسلامی است. مقام معظم رهبری در این مورد خطاب به زائران خانه خدا می‌فرماید:

«اسلام به امت اسلامی و حکام اسلامی عزت و قدرت و شجاعت می‌بخشد تا بتوانند اقدام کنند، بفهمند و راهشان را ببینند. حج فرصت بزرگی است که این حقایق و حقایق فراوانی از این قبیل - که به برکت معرفت اسلامی و هدایت اسلامی در اختیار ما ملت مسلمان ایران است - در اختیار افکار عمومی مردم دنیا گذاشته شود و آنها بیدار شوند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۰۴).

ایشان پس از اینکه حمایت از مسلمانان فلسطین را وظیفه مسلمانان معرفی می‌کنند،

می‌فرمایند:

«منظره شکوهمند حج، زمینه‌های مساعد برای انجام دادن این وظایف را به ما نشان می‌دهد و ما را به تلاش مضاعف و همت مضاعف فرا می‌خواند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۴۱۴).

۳-۱- ایجاد وحدت

پس از اینکه مسائل امت اسلامی در حج مطرح شد نگاه یک روحیه عمومی ایجاد می‌شود و همه مسلمانان در مورد یک مسأله احساس مشترکی پیدا می‌کنند به طوری که به دغدغه و مسأله آنها تبدیل می‌شود. نتیجه این شرایط ایجاد وحدت و جبهه و جریان بر علیه دشمنان است. این اتحاد برای پیشبرد بیداری اسلامی لازم و ضروری است.

حضرت امام در این خصوص می‌فرماید:

«یک چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده‌شدگان جهان، است. و این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید. و مرکز این دعوت و تبلیغ مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

در جای دیگر می‌فرماید:

«در حج به صدای بلند اعلام اتحاد کنید؛ به صدای بلند بیزاری خود را از جبهه استکبار و ظلم و نفاق فریاد کنید؛ علما و روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی و علمی خود را به تبادل نظر با یکدیگر فراخوانید؛ حمایت عمومی خود را از ملت مظلوم فلسطین و طلبکاری خود را نسبت به مسأله فلسطین، به گوش دشمن برسانید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۱۷).

مقام معظم رهبری نیز بر اهمیت وحدت در حج برای برطرف کردن مشکلات جهان اسلام

تاکید دارند.

«همبستگی اسلامی، برای دشمنان جهان اسلام و دشمنان ملت‌های این منطقه و غارتگران بین‌المللی، کار را مشکل می‌کند و اجازه نمی‌دهد آنها طبق میل خود، هرطور خواستند و انتخاب کردند و مصلحت دیدند، به یک کشور و ملت اسلامی تعرض کنند... حج، این معرفت و وحدت و عزم و تصمیم را به آنها می‌دهد. بنابراین مسأله حج و استفاده از همه ظرفیت‌های این واجب عظیم الهی، برای بهبود حال مسلمین جهان و همه کشورهای اسلامی، بسیار مهم است. هرچه بتوان در این زمینه، کار و تلاش و خدمت کرد، بارزش است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۸۷).

ایشان در بهره‌مندی از این ظرفیت در مورد فلسطین تاکید می‌کنند:

«امروز دنیای اسلام احتیاج به وحدت دارد. باید یک صدا در دنیای اسلام بلند شود. این است که می‌تواند جلو این ستم بر مردم فلسطین را بگیرد؛ این است که می‌تواند جلو دخالت‌های مستکبرانه آمریکا در خاورمیانه و در کشورهای اسلامی را بگیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۷۱ و ۳۷۲). در جای دیگر در این خصوص می‌فرمایند: «دنیای اسلام، امروز به حج، به اجتماع مسلمین، به وحدت کلمه، احتیاج دارد. شما ببینید با مسلمین چه می‌کنند: در فلسطین، در عراق، در نقاط دیگر؛ ببینید سیاست‌های اعلام شده‌ی استکبار علیه اسلام چیست؛ صریحاً علیه اسلام اعلام موضع می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۴۶).

۳-۲- محکومیت تجاوزات اسرائیل

حج و اجتماع مسلمانان فرصت مناسبی است تا اجتماع پرشکوه مسلمانان به مجمعی برای اعلام انزجار و محکومیت جنایات دشمنان اسلام تبدیل شود. حضرت امام خمینی براءت از مشرکین را با چنین رویکردی تبیین می‌کنند:

«و نیز فریاد براءت ما فریاد مردم مسلمان افریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستم سیه روزان بی فرهنگ نژادپرست را می‌خورند. فریاد براءت ما، فریاد براءت مردم لبنان و فلسطین و همه ملت‌ها و

کشورهای دیگری است که ابرقدرت‌های شرق و غرب، خصوصاً آمریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمین‌های آنان چنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند» (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۰۰ و ۲۰۱).

مقام معظم رهبری در بیان کارکرد اجتماعات اعتراض گونه در مقابل عملکرد دشمنان اسلام، به زائران خانه خدا می‌فرماید:

«شک نیست که بی تفاوتی ملت‌های مسلمان در برابر این وضع، دشمن را تشویق می‌کند و صحنه را هر روز بر مؤمنین به اسلام تنگتر می‌سازد. مسلمانان باید نشان دهند، که جهان اسلام دارای قدرت برخوردار است و می‌تواند در برابر تجاوز و دشمنی آمریکا و هر متجاوز دیگری بایستد، تاکنون همه لطمات جبران‌ناپذیری که به امت اسلامی از سوی استعمارگران دیروز و مستکبران امروز وارد شده، عمدتاً ناشی از ضعف نفس و ضعف روحیه دولت‌ها یا ملت‌ها بوده است. ایستادگی ملت‌ها، دشمن را به ستوه می‌آورد و او را در رسیدن به هدف‌های متحیرانه‌اش ناکام می‌سازد. اگر رهبران و ملت فلسطین، همین شجاعت فداکارانه را که امروز انتفاضه اسلامی در برابر صهیونیست‌ها از خود نشان می‌دهد، در آغاز تشکیل دولت غاصب صهیونیست نشان می‌دادند، این سرنوشت مرارتبار و زهرآگین برای فلسطین رقم نمی‌خورد، و اگر امروز سران نهضت‌های اسلامی و مردم مؤمن، سختی‌های مبارزه را بر خود هموار کنند بی گمان امت اسلامی، آینده شیرینی را به دست خواهد آورد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

نتیجه‌گیری

حج به عنوان عبادتی فراملی هر ساله نمایندگانی از سراسر جهان اسلام را در سرزمینی واحد در زمانی مشخص جمع می‌کند تا همگی با پوششی یکسان اعمال یکسانی را انجام دهند. این تجمع

بزرگ فقط در ابعاد مناسکی و اخلاقی خلاصه نمی‌شود بلکه فراتر از ابعاد فردی، از جهت سیاسی و اجتماعی نیز ظرفیت بزرگی در پیگیری امور امت اسلامی دارد.

فلسطین یکی از مهم‌ترین عناصر هویتی امت اسلامی است که حج از ظرفیت بالایی در طرح و تقویت آن در جهان اسلام دارد.

اجتماع پرشکوه حج چنانچه از سخنان و پیام‌های امام خمینی و رهبر معظم انقلاب برمی‌آید، در ابعاد گوناگون شناختی، احساسی و عملیاتی می‌تواند فلسطین را به عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های امت اسلامی تقویت کند و از این جهت نهضت‌های اسلامی را بر محور هویتی در مقابل دشمن متحد کند.

از آنچه در این مقاله بیان شد می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام به عنوان نظامی فراگیر و سیستمی جامع از ظرفیت‌های درونی زیادی در پوشش دادن مسائل خود به صورت فراگیر برخوردار است. حج صرفاً عبادتی فردی با ابعادی صرفاً فقهی - مناسکی و اخلاقی نیست بلکه ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی زیادی در سطح بین‌الملل اسلامی دارد.

امام خمینی و مقام عظم رهبری با دیدی جامع و فراگیر چنین نگرشی به اسلام دارند و از طرفی طلایه‌دار حمایت از فلسطینند و از طرف دیگر احیاگر حج ابراهیمی که همواره در مسیر مبارزه با طاغوت بود.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۷۲)، "ابعاد اجتماعی برنامه امنیتی اسرائیل؛ دستور کای برای قرن بیست و یکم"، فصلنامه مطالعات امنیتی، شماره ۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام.
- اسماعی، فادی (مرداد ۱۳۷۶)، "پدیده اسلام‌ترسی"، ترجمه پرویز شریفی، ماهنامه اسلام و غرب، وزارت امور خارجه، سال اول، پیش شماره دوم.

- اقلیدی‌نژاد، علی (۱۳۸۵)، "مروری دوباره بر داستان فلسطین و روز قدس"، نشریه مبلغان، شماره ۸۳.
- المسیری، عبدالوهاب محمد (۱۹۸۲)، الایدئولوجیه الصهيونیه دراسه حاله فی علم اجتماع المعرفه، عالم المعرفه، کویت.
- المسیری، عبدالوهاب محمد (۱۳۷۴) صهیونیزم، ترجمه لواء رودباری، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- احمدی، حمید (۱۳۶۹)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: کیهان.
- ابن خلدون (۱۳۶۲)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۴)، "نظریه وحدت‌آفرینی دشمن مشترک و کشورهای مسلمان نشین"، بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن، جمعی از نویسندگان، ج ۲، تهران: معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- توسلی، مهدی (۱۳۷۸)، نگاهی به تاریخ سیاسی فلسطین، راولپندی، اس.تی.پریتر.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، صحیفه حج (پیام‌ها و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در حج)، ج ۲، تهران: پژوهشکده حج و زیارت، چاپ دوم، مشعر.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷)، صحیفه حج (پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی در حج)، ج ۱، چاپ دوم، تهران: مرکز تحقیقات حج، مشعر.
- خجسته، کمیل (۱۳۹۰) "تاثیر مقاومت بر بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای"، مقالات برگزیده همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- روکاچ، لیویا (۱۳۶۵)، تروریسم مقدس اسرائیل، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: کیهان.
- ریشه، گی (۱۳۸۰)، تغییرات اجتماعی، گی ریشه، ترجمه منوچهر وثوقی، تهران: نشر نی.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ستوده، محمد (۱۳۸۱)، "گزارش‌های علمی: انتفاضه فلسطین و بی‌ثباتی فزاینده در اسرائیل"، نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۷.
- سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰)، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر حیدری‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- قدری، فلجعی، (۱۳۵۸) "قهرمانی از سرزمین فلسطین (برگی از تاریخ فلسطین)"، ترجمه احمد منتهایی، نشریه پیام اسلام، شماره ۵.
- عطایی، فرهاد (۱۳۷۹)، "عوامل موثر در ایجاد حکومت صهیونیستی در فلسطین"، مطالعات منطقه‌ای.
- کتان، هنری (۱۳۶۸)، فلسطین و حقوق بین‌الملل، ترجمه غلامرضا فدایی عراقی، تهران: امیر کبیر.
- کیالی، عبدالوهاب (۱۳۷۶)، تاریخ نوین فلسطین، ترجمه محمد جواهر کلام، تهران: امیر کبیر.
- گازیوروسکی، مارک، نیکی کدی (۱۳۷۹)، نه شرقی نه غربی (روابط خارجی ایران با آمریکا و شوروی)، ترجمه ابراهیم متقی و الهه کولایی، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گارودی، روزبه (۱۳۶۹)، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرین حکمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری‌نیا، علی (۱۳۸۴)، "مقدمه‌ای بر استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، بررسی مبانی تقریب مذاهب و استراتژی دستیابی به آن"، استراتژی تقریب مذاهب اسلامی (مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی)، گروهی از نویسندگان، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران.
- موسسه الارض ویژه مطالعات فلسطینی (۱۳۶۳)، استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای هم‌جوار آن، تهران: انتشارات بین‌الملل اسلامی، بی‌جا.
- محمدی، محسن (۱۳۹۳)، حج و امت اسلامی، تهران، مشعر.
- محمد حمید، فوزی (۱۹۹۴م)، حقایق و اباطیل فی تاریخ بنی اسرائیل، دارالصفدی، دمشق.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶)، ایران و مسأله فلسطین براساس اسناد وزارت امور خارجه (۱۹۳۷-۱۸۹۷)، تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (از رکود تا بیداری اسلامی)، ج ۲، وزارت امور خارجه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶) جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۱)، رویارویی تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات امور خارجه.